

۸مجنبتی گهستونی

رامش سید، متولد تهران و اصالتا یک بهبهانی اصیل و بزرگ شده بهبهانی است. تحصیلات خود را در رشته‌ی کامپیوتر گذراند. ۲ سال سابقه کار در اداره آموزش و پرورش بهبهان دارد و بعد از آن به طور مستمر ۲۲ سال در شرکت خصوصی، با تخصصی که مرتبط با رشته‌ی تحصیلی‌اش است کار کرد. به‌عنوان شخصی که شیفته فرهنگ و آداب و سنن متمدنی کشور است نسبت به شرایط جامعه و هموطنان خود دغدغه‌مند است.

موسیقی را در کدام آموزشگاه و کدام شهر یاد گرفتید؟

فعالیت در حوزه موسیقی تا حدودی شبیه بانو دلکش بوده، چون در خانواده‌ای هنرمند بزرگ شدم از سن سه سالگی می‌خواندم و علاقه‌ی زیادی به تصانیف بزرگان موسیقی ایران داشتم. نخستین تجربیات موسیقی را که تا به امروز ادامه دارد در کنار پدر، مادر و عموی هنرمندم که در شهرم به عنوان یک تار نواز حرفه‌ای و خواننده موسیقی فولکلوریک بهبهان شناخته شده فرا گرفتم.

نوازندگی هم بلدید؟

سه تار کار می‌کنم و قبلا تا حدودی تنبک و دف آموزش دیدم.

اساتید تو چه کسانی بودند؟

آموزش و ایرادات خواندن رو نزد عمو و دخترم نگین «منصوری‌نژاد» که مدرس صداسازی است به صورت تخصصی برطرف می‌کنم. از پدر و مادرم که به سبک‌ها و ردیف‌های موسیقی آشنایی دارند همیشه کمک گرفتم.

به چه سبکی می‌خوانی؟

تاکنون بیشتر در سبک سنتی خوانندم ولی دوست دارم در آینده به خاطر تعامل با قشرها و طبقات جوان کشور و شهرم در سبک پاپ هم بیشتر فعالیت کنم.

با اینکه خواننده هنرمندی داری. آنها دلنگرانی‌هایی از بابت خواندن تو دارند؟

به آن شکل که بعضی فکر کنند نه، ولی خانواده من با شناخت و

درک واقعی که از موسیقی داشتن و من از آن تاثیر گرفتم، با توجه به ممنوعیت‌ها و حساسیت‌هایی که به صدای خانم‌ها هست و من همیشه این کار رو با ملاحظه‌ی رفتارها و هنجارهای اجتماعی انجام داده‌ام، خوشبختانه یک تعامل ایجاد شده و برای من مشکلی به وجود نیامده است.

چرا صدای لالایی مادران را باید شنید؟ و آیا لالایی هم ساخته‌اید؟

لالایی، اولین موسیقی است که در روح و جان انسان رخنه می‌کند. چه شب‌هایی که هر بار با شنیدن لالایی مادرم به خواب شیرین و رویایی عمیق فرو رفتم. همیشه صدای لالایی‌های دلنشین مادر و مادر بزرگم در گوشم طنین می‌اندازد و بدون شک صدای لالایی مادران یکی از زیباترین موسیقی‌های دنیاست، صدای سرشار از عشق و مهریانی، صدای لالایی مادرم بود. لالایی اولین درک یک کودک از موسیقی آرامش‌بخش است و در همه‌ی فرهنگ‌ها و دوره‌های باستان می‌توان لالایی را با آهنگ‌های مختلف دید همچنین کودک را از همان آغاز با نوعی از موسیقی آشنا کرد. با صدای لالایی مادر علاوه بر بخواه رفتن کودک، سلامت، جسم، روان و تغذیه بهتر و همچنین بر مهارت صحبت کردن کودک اثر خوبی می‌گذارد.

چقدر به موسیقی محلی توجه داری. آواز محلی هم خوانده‌ای؟

با توجه به اینکه موسیقی محلی با هر اقلیمی عجین شده، دلنشین‌تر، ساده‌تر و قابل فهم‌تر بوده و من طبیعتا دوست دارم صدای مردم شهرم باشم، نه تنها من بلکه همه‌ی قومیت‌های ایرانی دوست دارند نسبت به گویش و فرهنگ منطقه‌ای خود اجرایی زیبا داشته باشند. گاهی در دوره‌های خانوادگی و دوستانه آوازهای محلی خوانده‌ام.



گفت‌وگوی اختصاصی با رامش سید، خواننده:

باید حرکاتی اثربخش در جهت خروج موسیقی بانوان از انزوا انجام شود



ثابت می‌کند که در هزاره‌های قبل تک‌نوازی و گروه نوازی وجود داشته. اما یک پرسش به وجود می‌آید، چرا در این کشور موسیقی اینقدر شرایط سخت و پیچیده‌ای دارد؟

ایران پیشینه تاریخی خیلی قوی دارد و یکی از دلایل آن در اکتشافات و سنگ نوشته‌های هزاره‌های قدیم، چند سه هزار پونصد ساله که در ویرانه‌های ارگان، شهر قدیم بهبهان پیدا شد، نشان دهنده‌ی این موضوع است که از یک میراث قوی موسیقی در اقلیم خوزستان برخوردار بودیم که در دوره‌ی بزرگ از تاریخ معاصر به فراموشی رفته ولی دوباره با همت هنرمندان و ادبا و شاعران و خوانندگان جنوبی جایگاه خود را پیدا خواهد کرد.

به نظر تان بانوان فعال در موسیقی این روزها چقدر در کارشان جدی هستند؟

در چند دهه‌ی اخیر خوانندگان زن خوزستانی وارد عرصه فعالیت شده‌اند که قابل تقدیر است اما به دلیل محرومیت‌ها، محدودیت‌ها و تنگ نظری‌ها، یا از موسیقی کناره‌گیری کرده و یا مهاجرت کرده‌اند. اما خوشبختانه با همه‌ی این شرایط، موسیقی خوزستان در سبک فولکلور توسط هنرمندان جنوبی همیشه

زنده نگه داشته شده است. با توجه به مشاهدات استانی و عینی امروزه دختران در همه رده‌های سنی اقبال زیادی به موسیقی در همه اشکال آن دارند، بسیاری از هنرجویان و نوازندگان از کودک و نوجوان، خانم هستند که اگر کمی فضا مهیا شود می‌توانند آثار بزرگی از خود بجای بگذارند. من معتقد هستم که باید حرکاتی اثربخش در جهت خروج موسیقی بانوان از انزوا انجام شود. اما با تمام مشکلات موجود، بانوان آوازخوان این سرزمین دلسرد نشده و از پای ننشسته‌اند. تازه ما این شانس رو داریم که به واسطه‌ی رسانه‌های اجتماعی تا حدودی دیده

دارد. ردپای آن حتی در موسیقی مقامی که سینه به سینه به نسل ما رسیده، وجود دارد. از سویی در دوره مشروطه نیز حضور این نوع موسیقی غیرقابل انکار است. هیچ‌کس نمی‌تواند کلام عارف قزوینی، میرزاده عشقی و ملک‌الشعراى بهار را نادیده بگیرد. هنوز که هنوز است «هرغ سحر» و «از خون جوانان وطن...» بازخوانی می‌شود و فارغ از نسل و سن و سال، تاثیر عمیقی بر جامعه و مخاطبان می‌گذارد.

خوزستان به واسطه برخورداری از موسیقی بختیاری، عربی، لری، قشقایی، بندری، بهبهانی، شوشتری و دزفولی و ثبت موسیقی علوانیه و موسیقی ۲۴ مقام دزفول و شوشتر و برخورداری از پیشینه تاریخی قابلیت انتخاب به عنوان پایتخت موسیقی موسیقی ایران را دارد. شما چقدر با این نظر من موافق هستید؟

موافقم، با توجه به اینکه خوزستان یک ایران کوچک است و ما تمام قومیت‌ها و زبان‌های مختلف را در خوزستان داریم و متأسفانه جزو موارد و محرومیت‌های دیگر عین فقر، جاده، اتوبان، محیط زیست و... شوربختانه موسیقی ما هم به دلیل تنگ نظری و عدم درک فرهنگی مسئولین استانی به همین درد گرفتار است. به همین جهت از پتانسیل بالای موسیقی در این استان استفاده بهینه نشده در حالی که دو سال پیش سازمان جهانی یونسکو سندج را به عنوان شهر خلاق موسیقی جهان اعلام کرد. شوربختانه ادارات محلی خوزستان، گویا حتی به آن قوانینی مالوف که به بردباری در تهران و دیگر نقاط کشور برای موسیقی وضع میشه توجهی ندارند.

خوزستان در حوزه موسیقی به واسطه پیکرک‌ها و نقش برجسته‌هایی که در آثار تاریخی‌اش قابل مشاهده است

شویم و امیدواریم که فضا تغییر کند و موسیقی بانوان مانند حضور زنان در استادیوم‌های ورزشی به دغدغه‌ای جدی تبدیل شود تا بتوانیم صدای آواز خود را با خیالی آسوده‌تر به گوش مخاطبان برسانیم. خواسته‌ای که از مردم داریم اینکه موزیسین‌ها و خوانندگان خانم را حمایت کنند، از تخریب نسبت به این روند پرهیز کنند و انتظار می‌رود مسئولین استانی به این موضوع با سعه‌ی صدر بیشتری توجه کنند و به حضور بانوان در عرصه‌ی موسیقی بها دهند.

به جز مواردی که ذکر کردی، دیگر مشکلات این روزهای موسیقی ما چیست؟

اینکه به موسیقی اهمیت داده نمی‌شود، اما موسیقی بخش مهمی از فرهنگ جامعه است. مشکل ورود ساز به معرض دید عموم، فالش خوانی‌ها، ترانه‌های بی‌محتوا و عادی شدن این موضوع، بد سلیقه شدن بخشی از مردم و جذب آنها به سوی ترانه‌های سطحی و بدون مفهوم، که من فکر می‌کنم در این مسیر رسالتی دارم، که باید اصالت موسیقی اصیل کشورم را حفظ کنم و از همه‌ی کسانی که در راه اعتلای این فرهنگ زحمت می‌کشند انتظار دارم از بانوان خواننده و نوازنده حمایت کنند.

با وجود همه دشواری‌ها باز هم قصد دارید به فعالیت حرفه‌ای ادامه دهید؟

بدون تردید بله. مصمم هستم به وظیفه فرهنگی خودم به عنوان عضوی از جامعه، وفادار باشم و در جهت اعتلای این موضوع همت گمارم. از آنجا که زنان نیمی از پیکره‌ی جامعه هستند حق طبیعی آنان هست که بار مسئولیت فرهنگی خود را به عهده داشته باشند و به همین دلیل من در حوزه موسیقی زنان سعی می‌کنم با توجه به هنجارهای اجتماعی و ضرورت‌های جامعه تلاش مضاعفی داشته باشم تا نقش مثبتی در تعامل فرهنگی جامعه خویش ایفا کنم.